

# نشان دادن فرع به جای اصل

## نگاهی به جایگاه کتاب‌های آموزشی در مدارس کشور

بهروز رضایی کهریز

کلید واژه‌ها: کتاب، کتاب مناسب، کتاب کمک درسی، کتاب‌خانه‌های مدارس.

### اشاره

دفتری که من در آن کار می‌کنم، کارش شناسایی کتاب‌های آموزشی مناسب و معرفی آن‌ها به مدارس و خانواده‌هاست. در هشت سالی که سردبیر نشریه «رشد دانش آموز» بودم، از فاصله‌ای نسبتاً نزدیک با این موضوع آشنایی داشتم و حالا یکی دو سالی است که به این بخش از دفتر، نزدیک‌تر شده‌ام و می‌توان گفت، دیگر از دور دستی بر آتش ندارم. ضمناً من سال‌هایی را هم معلم بوده‌ام و با فضای درس و مدرسه ناآشنا نیستم.

### هزار کتاب مناسب در سال

هیچ کس منکر آن نیست که ما وضعیت مطلوبی در تولید کتاب‌های آموزشی و استفاده از آن‌ها نداریم. پس از گذشت ده سال از اجرای «طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی» در آموزش و پرورش و تولید ۴۵ کتاب‌نامه (فهرست کتاب) و معرفی نزدیک به ده هزار کتاب مناسب در آن‌ها برای پایه‌ها و دوره‌های گوناگون آموزشی، هنوز هم از دو هزار عنوان کتابی که سالیانه به دبیرخانه این طرح می‌رسد، فقط هزار کتاب مناسب تشخیص داده می‌شود؛ یعنی دست کم نیمی از کتاب‌های تولید شده مناسب نیستند. نسبت واقعی کتاب‌های مناسب (خصوصاً کتاب‌های کمک درسی مناسب) به کل کتاب‌های منتشر شده، قطعاً کمتر از این مقدار است؛ چون اولاً ناشران، همه کتاب‌های آموزشی منتشر شده را برای این دبیرخانه نمی‌فرستند. ثانیاً آن‌ها به دلایل متعدد ترجیح می‌دهند کتاب‌های کمک درسی خود را در معرض داوری این دبیرخانه نگذارند و دلیل سوم، آسان‌گیری همکاران من در دبیرخانه است. آن‌ها با توجه به مجموعه شرایط حاکم بر بازار کتاب‌های آموزشی، به یافتن حداقل استانداردها در کتاب آموزشی دلخوش‌اند و از این

روست که بر نیمی از کتاب‌های رسیده، مهر مناسب می‌زنند که سهمی از آن هم، از آن کتاب‌های کمک درسی است. منظور ما از کتاب‌های کمک درسی، کتاب‌هایی هستند که مطالب آن‌ها سرفصل به سرفصل، مشابه کتاب درسی هر پایه تحصیلی است؛ در حالی که کتاب آموزشی، اگر چه در صدد دانش‌افزایی دانش‌آموز یا معلم است، سرفصل‌های آن لزوماً مشابه کتاب درسی نیست. در هر حال، نتیجه کار، معرفی هزار کتاب مناسب در سال است که تعداد کمی نیست.

### جنس کتاب کمک درسی

تألیف یا تدوین «کتاب کمک درسی»، سبک و روشی متفاوت از «کتاب درسی» ندارد؛ هر دو از جنس «متن» و هر دو «آموزشی مستقیم» هستند. وقتی معلمی کتابی کمک درسی را به شاگردانش معرفی می‌کند، در واقع به این معناست که فقط به «حجم» متن آموزشی می‌افزاید. برای نمونه کتاب درسی توضیح و تمرین و مسئله دارد؛ کتاب کمک درسی هم توضیح و تمرین و مسئله (و احتمالاً اندکی هم بیشتر) دارد. به نظر می‌رسد، اگر قرار است به یادگیری مطالب کتاب درسی فرزندانتان کمک کنیم، در درجه اول بهتر است به سراغ فیلم‌ها و وسایل کمک آموزشی غیر از کتاب برویم و مثلاً با عینی کردن مفاهیم، به درک آن‌ها یاری برسانیم. متأسفانه، ما از بسته آموزشی، فقط به دو جزء سهل الوصول آن بسنده می‌کنیم: کتاب درسی و کتاب کمک درسی! به همین دلیل است که تعداد فیلم‌های آموزشی در مقایسه با کتاب کمک درسی بسیار ناچیز و در حد صفر است.

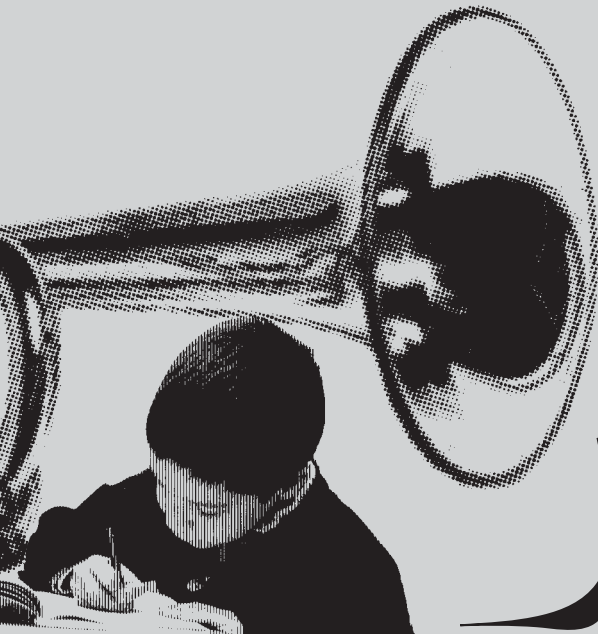
### فرع به جای اصل

کتاب کمک درسی همان‌طور که از اسمش پیداست، کمکی



فرزانه محی‌الدین  
(۱۳۴۱)  
معلم نمونه کشوری  
خوزستان

فرزانه محی‌الدین در آبادان متولد شده و اکنون در ماهشهر، در دبستان شاهد حضرت رقیه به خدمت اشتغال دارد. وی مدرک لیسانس علوم تربیتی، با گرایش آموزش ابتدایی را از دانشگاه آزاد آغاچاری گرفته است. کار خود را با نهضت سوادآموزی شروع کرده و سپس به استخدام آموزش و پرورش درآمده است (۱۳۶۱). خانم محی‌الدین فعالیت‌ها و مسئولیت‌های چندی متعددی داشته که موجب شده است به عنوان معلم نمونه کشوری انتخاب شود. تألیف کتاب «بخوانیم» پایه چهارم، تدریس کلاس‌های آموزش خانواده، و تألیف پیک‌های نوروزی، او مدرس کشوری کتاب‌های بخوانیم و بنویسیم، و سرگروه آموزش پایه چهارم نیز هست. یکی دیگر از موفقیت‌های او، شرکت در جشنواره الگوهای



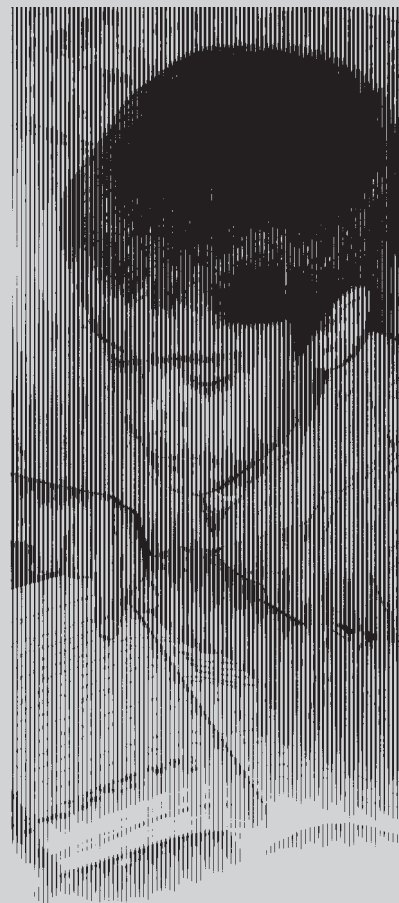
است و نباید جای کتاب اصلی بنشیند. وقتی معلمی از شاگردانش می‌خواهد یک «کتاب کمک درسی واحد» را با خود به کلاس بیاورند و همه با هم تمرین‌هایش را حل کنند، در واقع کتاب کمک درسی را به کتاب درسی تبدیل می‌کند و مشکلی را تشدید می‌کند که احتمالاً خودش هم از آن گله‌مند است و آن حجم بودن کتاب‌های درسی است. شاید اگر از هر معلمی راجع به حجم کتاب‌های درسی پرسید، احتمالاً به شما می‌گوید که زیاد است؛ اما خود او هم ممکن است در دام تحمیل یک کتاب کمک درسی به شاگردانش افتاده باشد. هر دانش‌آموز دوم راهنمایی، سر جمع حدود ۱۸۰۰ صفحه مطلب درسی دارد که باید در طول سال تحصیلی بخواند. فرض کنید فقط پنج معلم، از بچه‌ها کتاب کمک درسی بخواهند و هر کتاب ۱۵۰ صفحه باشد؛ به این ترتیب، حجم مطالب آموزشی به ۲۵۰۰ صفحه می‌رسد.

**وقتی معلمی کتابی کمک درسی را به شاگردانش معرفی می‌کند، در واقع به این معناست که فقط به «حجم» متن آموزشی می‌افزاید**

اشاره کردم که کتاب کمک درسی، به همان نحوی آموزش می‌دهد که کتاب درسی؛ فقط فرقی این است که کتاب درسی از زیر دست چندین کارشناس خبره و با تجربه و در نظر داشتن نکات مهم آموزشی و احیاناً روان‌شناسانه گذشته است، ولی یک کتاب کمک درسی احتمالاً تألیف یک معلم است که اگر چه ممکن است معلم خیلی خوبی باشد، ولی ضرورتاً نویسنده خوبی نیست. خوب اگر قرار است این طور باشد، به نظر تان بهتر نیست بیایم چند صفحه تمرین و توضیح، به کتاب درسی اضافه کنیم که هم خوب کارشناسی شده باشد و هم احتمالاً فضای کمتری را اشغال کند و هم هزینه کمتری روی دست ما و جامعه بگذارد؟

### استفاده عمومی از وسیله شخصی

کتاب کمک درسی نوعی وسیله آموزشی شخصی است؛ به این معنی که هر کاربر، نیازهای خاصی دارد که هر کتاب کمک درسی بخصوصی، یا حتی بخشی از آن، ممکن است به این نیاز پاسخ گوید. به عبارت دیگر معلوم نیست یک کتاب کمک درسی برای همه شاگردان یک کلاس مفید باشد یا همه مطالب یک کتاب کمک درسی به کار یک دانش‌آموز بیاید. متأسفانه به نظر می‌رسد، بسیاری از معلمان ما به این شأن شخصی کتاب کمک درسی توجه ندارند. اساساً کتاب کمک درسی در صورتی مورد نیاز است که دانش‌آموز حس کند در بخش یا بخش‌هایی از مطالب درسی، محتاج کار بیشتری روی متن است. چون نیاز هر دانش‌آموز احتمالاً با نیاز دانش‌آموزان دیگر تفاوت دارد، از این رو ناگزیر کتابی که هر دانش‌آموز می‌خواهد و می‌خواند، با دیگران تفاوت دارد یا باید داشته باشد. بنابراین، انتخاب یک کتاب واحد کمک درسی، افزون بر مشکلات پیشین، چون منبعث از نیازی واقعی نیست، مخرب هم هست. مثلاً چه بسا ممکن است خانواده‌ای با مشغول کردن وقت دانش‌آموزی مستعد به کارهای بیهوده و تکرار چندباره آن چه او می‌داند، استعداد دانش‌آموز را بخشکاند و چشمه شوق و ذوق او را کور کند. یعنی نه تنها به پیشرفت بچه‌های ضعیف کمک نکند، که بر توانایی‌ها و پیشرفت بچه‌های قوی نیز اثر منفی بگذارد.



دشمنی با کتاب آموزشی و به‌ویژه کتاب‌های کمک درسی است. به عکس، نویسنده بر این باور است که معلم خوب و مفید، به‌واقع باید نقش کتاب‌دار خوب را هم بازی کند. او نه تنها باید به‌طور مرتب در صدد شناسایی کتاب‌های مفید برای شخص خودش باشد و هنگام تدریس از آن‌ها مدد جوید، که باید ده‌ها و صدها کتاب آموزشی و کمک‌درسی را در ذهن (یا در منبعی مطمئن و با دست‌رسی نسبتاً فوری) داشته باشد تا به‌هنگام ضرورت و بر حسب نیاز شاگرد و توانایی‌هایش، آن‌ها را به او معرفی کند. مثلاً ممکن است شاگردی به بحث آهن‌رباها در علوم تجربی علاقه خاص نشان دهد. معلم بلافاصله باید از فرصت استفاده کند و چند کتاب مناسب درباره آهن‌رباها به او معرفی کند؛ یعنی شاگرد را به مطالعه بیشتر و شاید بالاتر از حد کتاب رهنمون شود. گاهی ممکن است یکی از شاگردان، برای درک مبحث جدید ریاضی، به تمرین بیشتر نیاز داشته باشد، حتماً بخشی از یک کتاب کمک درسی خوب و مناسب ریاضی، می‌تواند اعتماد به نفس را به او برگرداند. در همین کلاس ریاضی، ممکن است به یکی دیگر از شاگردان، کتابی را توصیه کند که دست‌بندی آسان‌تری از مباحث به دست می‌دهد. بنابراین، صحبت بر سر استفاده درست از کتاب آموزشی و کمک درسی است، نه کنار گذاشتن آن‌ها.

### کتاب‌های کمک درسی خطرناک!

کتاب‌های کمک درسی ضمن آن‌که می‌توانند به روند یادگیری، سهولت، سرعت و کیفیت ببخشند، می‌توانند سمی مهلک برای پیشرفت، دانایی، توانایی‌ها و مهارت‌های شاگردان ما باشند. شاگردان ما، فرزند دل‌بند خانواده‌ای هستند که تربیت فرزندشان را با اطمینان و اعتماد به ما سپرده‌اند. این کتاب‌ها را جدی بگیریم!

### سه تجربه

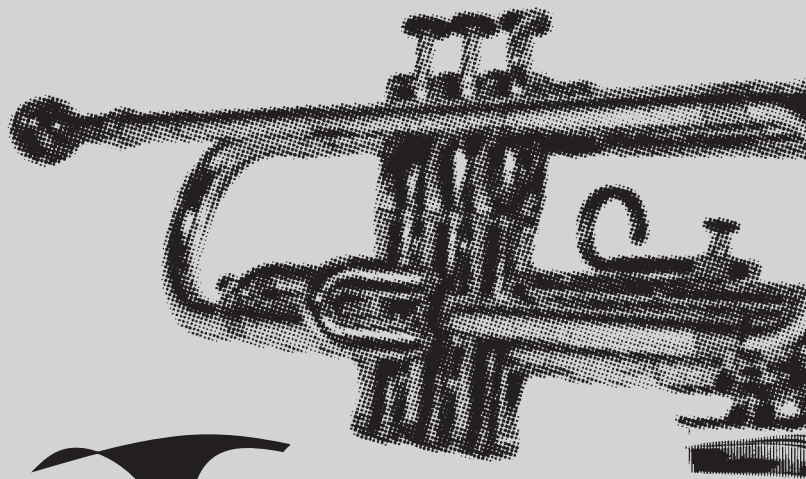
اکنون برای تغییر ذائقه، سه تجربه تلخ و شیرین شخصی‌ام را برایتان بازگو می‌کنم و امید می‌برم هیچ‌گاه برای هیچ‌کس دیگر پیش نیابند.

#### تجربه شیرین!

چند سال پیش، معلم سال چهارم ابتدایی دخترم گفته بود یک کتاب کمک درسی ریاضی از یک ناشر نه چندان مشهور، تهیه

### معلم به‌مثابه کتاب‌دار

برداشت درست نیست اگر تصور رود که نویسنده در پی



کنیم. البته خودش زحمت تهیه‌اش را هم کشیده بود و ما فقط باید هزینه‌اش را پرداخت می‌کردیم. هنوز مدت زیادی از سال تحصیلی نگذشته بود که یک روز دیدم دخترم خیلی ناراحت است و کم مانده اشکش درآید. گفتم چه خبر است؟ گفت: «خانم گفته این دو صفحه را حل کنم و ببرم؛ اما من چند تا از مسئله‌ها را بلد نیستم.» از قضا هر دو سه مسئله‌ای که او در آن‌ها اشکال داشت، شبیه به هم بودند. گفتم این‌ها که ساده است و شروع کردم به توضیح دادن دم‌دستی مسئله تا روش حل آن‌ها یادش بیاید. هر چه توضیح دادم، دیدم خوب متوجه نمی‌شود. گفتم نکند در کتاب درسی طور دیگری توضیح داده باشند. به سراغ کتاب رفتم و در کمال تعجب دیدم که بحث مربوط، در اواخر کتاب جا گرفته و قرار است حدود سه چهار ماه دیگر تدریس شود. آن‌ها هنوز این درس را نخوانده بودند و بیچاره دخترم حق داشت توضیحات مرا نفهمد. یکی دو بار دیگر این اتفاق افتاد و هر بار که اتفاق می‌افتاد، آشوبی در دل دخترک برپا می‌شد. یک بار هم خود من مسئله‌ای را حل کردم که بیش از یک جواب داشت و این موضوعی بود که مطمئن بودم نه نویسنده و نه معلم، توجهی به آن نداشته‌اند. من نامه‌ای به خانم معلم نوشتم و این چند مورد را توضیح دادم و از جمله مسئله اخیر را از راهی که درس داده بود، حل کردم و نشان دادم که در این مسئله چگونه ما می‌توانیم به دو جواب درست برسیم. نامه را درون پاکتی گذاشتم و چسب زدم و از طریق دخترم برایش فرستادم. گویا چند نفر دیگر از والدین هم اشکالات این کتاب کمک درسی را به او گوشزد کرده بودند؛ می‌دانید چه واکنشی نشان داده بود؟ گفته بود: «بچه‌ها، به باباهاتون بگید این قدر برای من نامه ننویسند؛ این کتاب را که من تألیف نکرده‌ام!»

### تجربه تلخ

سال گذشته، نزد یکی از معلمان دخترم که اصرار داشت کتاب کمک درسی زبان انگلیسی برایش تهیه کنیم و نمی‌خواست مانند برخی معلم‌های دیگر، خودش شخصاً این کار را بکند، رفتم و ضمن تعریف کردن تجربه سال چهارم دخترم، غیرمستقیم به او گفتم، کتابی که معرفی کرده‌است، کتاب مناسبی نیست. بعد برای آن‌که بگویم آوردن این کتاب‌ها به مدرسه غیرقانونی است، پرسیدیم، می‌دانید چرا آموزش و پرورش امسال بخش نامه کرده‌است که فقط کتاب‌های

مناسبی که به تأیید سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی رسیده باشند، مجوز ورود به محیط‌های آموزشی را دارند؟ برای تکمیل بحث، باز کمی از نقش مخرب کتاب‌های نامناسب در یادگیری بچه‌ها صحبت کردم و گفتم، خوش‌بختانه وزارت آموزش و پرورش هر سال صدها کتاب مناسب معرفی می‌کند که می‌شود کتاب‌ها را با طیب خاطر، از بین آن‌ها انتخاب کرد. او با آرامش گفت، ما این کار را برای پیشرفت خود بچه‌ها انجام می‌دهیم و هیچ اجباری نیست.

من با توجه به این که فکر می‌کردم صحبت با او ثمربخش بوده و او را قانع کرده‌ام و این پاسخ آخرش نشانه ضمنی آن است، از ایشان خداحافظی کردم. جلسه بعد، سر کلاس و در حضور بچه‌ها و با صدای بلند به دخترم گفته بود: واقعا دادن سه چهار هزار تومان و خریدن یک کتاب، این قدر برای شما سخت است؟ و متأسفانه بی‌توجه به بار روانی حرفش، روزهای بعد و روزهای بعد آن قدر به تکرار این حرف ادامه داده بود که دخترم حس بدی از حضور در کلاس درس او پیدا کرده بود.

ممکن است بگویید نباید در برابر خواست او مقاومتی نشان می‌دادم. متأسفانه من این کار را کردم. مقاومت من بر سر آن حق قانونی و نخریدن کتابی که می‌گفت اجباری نیست، بحث را به جمع فامیل و بستگان و آشنایان و شماتت و ملامت آن‌ها کشید و بالاخره همسرم مقاومت‌مان را شکست و شاید نیمی از سال تحصیلی گذشته بود که گفت، من با مسئولیت خودم این کتاب را می‌خرم.

بله، می‌شد شکایت کرد؛ ولی معلمی که برای استفاده از حق قانونی ما برای نخریدن یک کتاب، که به قول خودش در مسیر کمک به خود دانش‌آموز بود (و در پایان سال مشخص شد که نبود)، این قدر او را در منگنه گذاشت، در واکنش به این شکایت، چه می‌کرد؟

### تجربه تلخ‌تر

امسال وقتی دخترم گفت که چند نفر از معلم‌هایش از او خواسته‌اند کتاب کمک درسی بیاورد و یکی از آن‌ها تهدید کرده‌است برای کسانی که تمرین‌های کتاب کمک درسی را حل نکنند و با خود به کلاس نیاورند، نمره منفی می‌گذارد، به او گفتم به ناشر کتاب یا یکی از شرکت‌هایی که در کار تهیه و فروش کتاب‌های کمک درسی هستند، زنگ بزنم و کتاب‌ها را سفارش دهم. با این که می‌دانم برخی از آن‌ها مجوز ندارند و مطمئنم برخی از آن‌ها نامناسب هستند، اما حالا دخترم خوش حال است که معلمش چیزی به او نمی‌گوید و معلم خوش حال است که هیچ بچه‌ای و هیچ پدر و مادری از دستور و خواسته او تمرد نکرده است و همه بچه‌ها درس‌های او را خیلی خوب یاد می‌گیرند و من هم خوش‌حالم که کسی از فامیل و بستگان، مرا به خاطر مقاومت بی‌فایده و بی‌هوده‌ام شماتت نمی‌کند!

■ متأسفانه، ما از بسته آموزشی، فقط به دو جزء سهل الوصول آن بسنده می‌کنیم: کتاب درسی و کتاب کمک درسی!

■ معلوم نیست یک کتاب کمک درسی برای همه شاگردان یک کلاس مفید باشد یا همه مطالب یک کتاب کمک درسی به کار یک دانش‌آموز بیاید. متأسفانه به نظر می‌رسد، بسیاری از معلمان مابه این شأن شخصی کتاب کمک درسی توجه ندارند

